



## «قصر شیرین» نامزد ۳ جایزه جشنواره اسپانیایی شد

در نوزدهمین دوره جشنواره فیلم «ایمجین ایندیا» که از ۲۴ سپتامبر تا ۸ اکتبر (۳ تا ۱۷ مهر) برگزار می‌شود فیلم «قصر شیرین» به کارگردانی رضا میرکریمی در شاخه های بهترین بازیگر مرد (حامد بهداد)، بهترین فیلمنامه شده (محسن قزایی و محمد داودی) و بهترین موسیقی متن (امین هنرمند) نامزد دریافت جایزه است. / ایسنا



## «شارلی ابدو» دوباره توهین کرد!

روز گذشته هفته نامه فکا‌هی فرانسوی «شارلی ابدو»، در اقدامی توهین آمیز کاریکاتورهای موهن علیه پیامبر گرامی اسلام (ص) را روی جلد خود بازنشر کرد. این اتفاق در حالی رخ داده که امانوئل مکررون در واکنش به این اتفاق، آن را مصداق «آزادی بیان» خوانده است! مسعود شجاعی طباطبایی در گفت‌وگو با مهر ضمن اشاره به رفتار فرانسه با روزه کارودی و موضع مکررون درباره انتشار این کارتون به رفتار دوگانه فرانسه نسبت به آزادی بیان انتقاد کرد.

### مروری بر رویدادهای

### هنر و ادبیات

### در هفته‌ای که گذشت

# قاچاق خرس در عزای «فیلم»

## خدا حافظی همیشگی با... [مسعود مهرابی]

### رنج مواجهه با پیش پا افتادگی

مجله فیلم، با شروع سال ۹۴، تمام شد برای منی که از پاییز ۸۶ خواننده اش شدم و، جلوتر، شماره‌هاشان را هم که در قالب دی‌وی‌وی منتشر کردند، به لطف پدر، خریدم و بارها ورق زدم و خواندم. می‌توانستم خودم را خواننده دیروز تا هنوزش بدانم، با یک تفاوت: تجربه نکرده بودم تاریخی را که خوانندگان پایه‌پایه‌آمده‌اش از سر گذرانده بودند.

مثل شاید بسیاری از خوانندگان پیگیر مجله، منتقد محبوب هم داشتم: ایرج کریمی. شکوه تصویری که کریمی از منتقد فیلم ارائه می‌کرد، برایم، کم از جایگاه پردول در جهان انگلیسی‌زبان نداشت. انگار سواد و آگاهی، همیشه، پاشنه آشیل مجله‌هاست: منتقد باسواد، معیارها را هم از تو تعریف می‌کند، دلم شکست وقتی دیدم فیلم به اقتضانات جهان ناسازگار، ناگزیر، تن داده تا بقی خود را تضمین کند. (آرمان‌گرایی منتقدانه و ایده‌الیسم ذاتی قلم منتقد، خواننده را هم سخت‌گیر بار می‌آورد). وقار. این تنها واژه‌ای بود که با دیدن عکس‌های پراکنده از ایرج کریمی یادم می‌آمد: خصلتی که ذات عکس‌های مسعود مهرابی هم بود: مدیرمسئول (برای من بی‌خبر از تحریریه) سایه‌نشینی که، به نفع به چشم آمدن آثار دیگران، کنار می‌نشست اما فضا را برای شان مهیا نگه می‌داشت.

من تدوینگرم. کارم خدمت به بهتر دیده شدن آثار دیگران است. عیب‌ها را باید تشخیص دهم و امتیازها را برجسته‌تر کنم. نهایتاً، کیفیت فیلم، خوب یا بد، نشانه‌هایی از شیوه عملکردم در پشت صحنه، در سایه، را خواهد داشت، و همین برایم غنیمتی است، ولو دیده هم نشوم. گمانم، مجله فیلم همیشه نشانه‌های آشکاری از گرداننده اصلی‌اش داشته، گرچه هرگز از نزدیک هم او را ندیده باشیم: حضور، در عین غیاب، مهرابی، یک بار، در یادداشتی اینستاگرامی، به تعدادی از تذکرات مکتوب ارشاد در دوران مختلف به مجله اشاره کرد و کوتاه نوشت: ... هیچ‌گاه رسانه‌ای‌شان نکردم... عاشقی تاوان دارد. چند سالی است که دیگر خواننده پیگیر مجله فیلم نیستم، اما تهدید هر عشق خالصانه از جانب هر شکلی از ابتذال، و هر شکلی از اصرار به هم‌رنگ زمانه شدن، تنم را می‌لرزاند: آیا فیلم رنج مواجهه با پیش پا افتادگی را تاب خواهد آورد؟ دلم که می‌خواهد، اما... می‌ترسم.

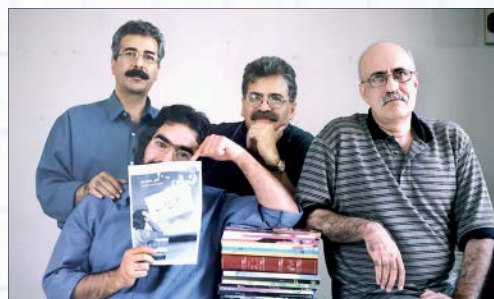


محمد خلفی

تدوینگر فیلم



مسعود مهرابی  
هوشنگ گلمکانی  
عباس یاری و  
پیام یزدانی در جشن  
۲۰ سالگی مجله فیلم



## لژیون‌های مرگ هفته [منوچهر طبیب و...]

### همسایه‌های ایرانی بتهوون

### با خاکسپاری منوچهر طبیب در گورستان مرکزی وین، حالا شعبه‌ای از قطعه هنرمندان ایرانی را در آتیش داریم

حالا بلوک اروپای مرکزی مان هم حسابی مستحکم شده‌است. کلی سرباز فرستاده‌ایم آنجا در این سال‌ها و حتی پیکرهایشان را هم تحویل نگرفته‌ایم. هنر ایران، سال‌هاست انشعابی بزرگ به قلب اروپای مرکزی زده‌است؛ وین، در سه چهار دهه گذشته، علاوه بر این که همچنان پایتخت موسیقی جهان بوده، یکی از پایتخت‌های هنر ایران نیز بوده‌است. فردا، بدن منوچهر طبیب در گورستان مرکزی وین آرام می‌گیرد. شاید برایتان جالب باشد که بدانید، ما آنجا نیز قطعه هنرمندان پر و پیمانی داریم برای خودمان؛ هر چند قطعه قطعه و پراکنده؛ یکی بالاتر از گور بتهوون، آن دیگری نزدیک شوپرت و این یکی پایین پای اشتراوس. شاید اولین قطعه از ما، سیاهش کسرابی، شاعر بود که در این گورستان آرام گرفت. بعد نوبت به مهرداد صدیقی، نقاش و مهدی اخوان لنگرودی، شاعر و داستان نویس رسید. حالا هم که پیکر منوچهر طبیب مستندساز را به آنجا بدرقه می‌کنیم؛ جایی که نه تنها یکی از بزرگ‌ترین و زیباترین گورستان‌های دنیا، بلکه آرامگاه شماری از نابوغ وینی است و سازه‌ها و بناهای یادبودش بارها تحسین شده‌است. راستی، علاوه بر بتهوون و شوپرت و اشتراوس که گفتیم، یوهانس برامز هم آنجاست. گورستانی دموکرات که سیاست احترام به رسوم خاکسپاری در ادیان مختلف را به جهان آموزش می‌دهد. می‌توانید ظهر یکی از روزهای خزان زده پاییز در مرکز وین قدم بزنید و خودتان را به گورستان مرکزی وین برسانید و در یک ساعت، به تماشای جشنواره‌ای از آیین‌های متنوع خاکسپاری بنشینید. جدای از بلوک مردگان، بلوک هنرمندان زنده ایرانی نیز در وین پابرجاست؛ نفس‌شان زنده.



صابر محمدی

گروه ادبیات و هنر



## هفته دوم شهریور

### سه‌گانه دردناک سینما

اول هفته را با مراسم عزای امام حسین (ع) و حضور هنرمندان در برنامه‌های مرتبط با آن آغاز کردیم. همان ابتدای هفته، یکی از فیلم‌های توقیف‌شده سینمای ایران قاچاق شد و دوزخ بعد، سینما مرد نجیب مجله «فیلم» را از دست داد. فردا هم منوچهر طبیب مستندساز در وین آتیش به خاک سپرده می‌شود تا هفته بد سینمای ایران با این سه‌گانه دردناک تکمیل شود.



### شنبه، ۸ شهریور

#### فیلم

#### قاچاق خرس

فیلم خسرو معصومی ۹ سال پس از توقیف، به صورت غیرقانونی در یوتیوب منتشر شد و در طول هفته، تهیه‌کننده و مدیر «شکوفافیلیم» همدیگر را متهم به این اقدام کردند. علی‌رستگار منتقد فیلم، درباره این ماجرا نوشته‌است.



### یکشنبه، ۹ شهریور

#### ادبیات داستانی

#### هنوز دود از کنده بلند می‌شود

شاید شما هم مثل ما فکر می‌کنید با ظهور داستان‌نویس‌های نوظهوری که آثارشان بسیار می‌فروشد، دیگر جایی برای نویسندگانی پراگبال سابق چون دانیل استیل که بازار کتاب ایران را در دهه ۷۰ در قبضه داشت، نیست. اما خب دود هنوز از کنده بلند می‌شود و رمان «سلطنتی» به عنوان تازه‌ترین اثر خانم استیل، در نخستین هفته انتشار در رتبه دوم بخش رمان‌های پر فروش جلد سخت نشریه نیویورک تایمز قرار گرفته‌است.



### دوشنبه، ۱۰ شهریور

#### سینما

#### درگذشت مرد در سایه

مسعود مهرابی مدیرمسئول ماهنامه «فیلم» و پژوهشگر سینما، درگذشت. او بین گردانندگان مجله خاطره‌انگیز فیلم کمتر به چشم می‌آمد اما نقش بسیار مهمی در این نشریه داشت. محمد خلفی، تدوینگر فیلم، از او و مجله فیلم و البته از ایرج کریمی، یکی از مهم‌ترین منتقدان این مجله نوشته‌است.



### سه‌شنبه، ۱۱ شهریور

#### موسیقی

#### حال استاد؛ همان‌طور که بود

محمد رضا شجریان، استاد آواز که از ۲۵ مرداد تا ۳ شهریور در بیمارستان جم بستری بود و پس از هشت روز به خانه برگشت، این روزها وضع جسمانی ثابتی دارد و آن‌طور که اواسط هفته حسن عباسی به عنوان یکی از پزشکان معالج او خبر داد، ادامه درمانش زیر نظر پزشکان در منزل انجام می‌شود.



#### نمایش

#### روی صحنه نبود

خبر آمد که امیررضا کوهستانی قرار است برداشتی آزاد از نمایشنامه معروف «در انتظار گودو»ی ساموئل بکت را خلاف متن اصلی با بازیگران زن روی صحنه ببرد؛ لیلی رشیدی، مهین صدری، الهام کربا، مونا احمدی و خزر معصومی بازیگران این اجراء در فضای باز پردیس تئاتر و موسیقی باغ کتاب (مجموعه دکر پارس) خواهند بود.

### فردا، جمعه ۱۴ شهریور

#### سینما

#### آرامش ابدی در قلب وین

منوچهر طبیب مستندساز ۸۳ ساله ایرانی که چهارم شهریورماه در وین آتیش درگذشت، فردا جمعه در این شهر به خاک سپرده می‌شود. به بهانه این رویداد، صابر محمدی از هنرمندان ایرانی مقیم وین و آرامستان مرکزی این شهر نوشته‌است.

## قاچاق هفته [فیلم «خرس»]

### رسم خرس کشی



علی رستگار

گروه سینما

«اینجا آلاسکا است. در فصل گرم سال منابع غذایی مختلف در دسترس صیادها قرار می‌گیرد. جانوران ساکن اینجا هم اون‌ها رو خوب میشناسن و به‌موقع ازشون استفاده می‌کنن. هیچ‌کدوم از این منابع غذایی دوام زیادی ندارن. پس جانوران باید حداکثر استفاده رو از فرصت به دست آمده بکنن.» در این لحظه یک خرس گریزلی در دست پشت‌سر دیوید آتن بورو، مستندساز مشهور داخل آب رودخانه می‌پرد و یک ماهی بزرگ را به دندان می‌گیرد. بله، خودم هم همین حالا دوست‌تر می‌داشتم این تصاویر را زبانی مستند زندگی پستانداران را با صدای گرم و جاودانه احمد رسول‌زاده می‌دیدم و می‌شنیدم تا این که بخواهم به جای خرس قهوه‌ای گریزلی، از خرس سیاه ایرانی بنویسم. اما چون نسخه قاچاق و غیرقانونی فیلم «خرس» به کارگردانی خسرو معصومی به‌تازگی سر از یوتیوب درآورد، ما هم سر قلم را به این سمت می‌چرخانیم تا ببینیم ماجرا چه بوده‌است.

خسرو معصومی، کارگردان فیلم‌هایی چون رسم عاشق کشی، جایی در دوردست، باد در علفزار می‌پیچد و پر پرواز، سال 90 فیلمی به نام خرس ساخت؛ اما نمایش این اثر در سی‌امین جشنواره فیلم فجر پرحاشیه بود و با وجود دریافت دو سیمرغ بلورین، بهترین بازیگر نقش اول مرد (فرهاد اصلانی؛ که البته نیمی از این جایزه برای بازی‌اش در فیلم زندگی خصوصی بود) و صدابرداری (محمد رضا دالیک) توقیف شد و پروانه نمایش آن برای اکران عمومی حتی هنوز هم که 9 سال از تولید آن گذشته، صادر نشد. قصه ضد جنگ و مساله شرعی و فقهی، مهم‌ترین دلایل توقیف فیلم اعلام شد و حتی با وجودی که برخی فیلم‌های توقیفی طی این سال‌ها رفع توقیف شدند

و رنگ پرده سینما را دیدند، خرس همچنان از این امکان بی‌نصیب ماند. قاچاق فیلم، باعث جنجال و حاشیه‌هایی شد، از جمله جواد نوروزبکی (تهیه‌کننده فیلم) و داریوش بابائیان (یکی از تهیه‌کننده‌های سینما و مدیر موسسه تولید و پخش شکوفافیلیم) از خجالت همدیگر درآمدند و یکدیگر را به انتشار نسخه غیرقانونی فیلم متهم کردند. بنیاد سینمایی فارابی هم به عنوان مالک فیلم، بلافاصله بعد از انتشار این نسخه، ضمن اطلاع‌رسانی از پیگیری قضایی، با ارسال ایمیلی به یوتیوب، خواستار حذف فیلم از این پلتفرم شد. گرچه ظاهر این اتفاق افتاد و فیلم از آن صفحه به‌خصوص (کانالی به اسم شکوفافیلیم) حذف شد، اما به دلیل کپی کردن سریع فیلم، خرس حالا همین‌طور در فضای مجازی و کانال‌های مختلف از جمله صفحاتی در یوتیوب می‌چرخد و برای تماشا و دانلود در دسترس است.

به‌جز پرسشی همیشگی که نقش سازمان سینمایی و به‌ویژه ستاد صیانت از آثار سینمایی و سمعی و بصری در مقابله با قاچاق چیست و دوستان دقیقاً چه اقدامات پیشگیرانه و حتی پسگیرانه‌ای در این خصوص انجام می‌دهند، به بحث مهم تناقض و بلاکلیفی سازوکار صدور پروانه ساخت و پروانه نمایش هم می‌رسیم که مورد مزمن و سابقه‌داری است. چرا فیلمی که به‌زعم اعضای دوره‌های مختلف شورای پروانه نمایش، قابلیت اکران ندارد، اساساً پروانه ساخت دریافت کرده‌است؟ بهتر نیست شوراهای پروانه ساخت و نمایش، از نظر میزان دغدغه‌مندی، تعهدات و دانش و سلیقه، تعامل و هماهنگی داشته باشند و در یک مسیر درست و مشخص حرکت کنند تا هنرمندان پس از صرف هزینه و وقت و انرژی، بازپچه قرار نگیرند؟ نمی‌دانم خود معصومی چقدر موقع نویسندگی و کارگردانی خرس از مشاوره‌های مناسبی بهره گرفته، اما دوستان و همکارانش در سازمان سینمایی و شورای پروانه ساخت، نمی‌توانستند با علم به حساسیت‌ها و ملاحظات جامعه و نگاه رسمی، مشاوره‌های دوستانه‌ای به او بدهند تا هم فیلم، اشکالات کمتری داشته باشد و هم در مرحله صدور پروانه نمایش با مشکل مواجه نشود؟

فارغ از برخی ایرادات تعیین‌کننده در فیلمنامه و فیلم، شاید می‌شد به زرمده بودن نورالدین هم اشاره نکرد و او می‌توانست پس از مدتی دراز و نامعلوم از هرجایی بازگشته باشد و این اتفاق (ازدواج دوباره همسرش) برایش رخ دهد. به‌جز صدابرداری و برخی فضاسازی‌های خوب و بازی اصلانی، فیلم کیفیت ویژه و قابل دفاعی ندارد که آن مشکلات مرتبط با خطوط قرمز در اولویت بعدی قرار بگیرد. با این حال، ضعف فیلم و حتی اتهاماتی که اثر با آنها روبه‌روست، هیچ‌کدام دلیل موجهی برای قاچاق آن نیست و بار دیگر ناتوانی سیستم سینمایی ما برای صیانت از فیلم‌ها و البته نبود نظارت سازنده و مبتنی بر گفت‌وگو می‌شود.

کاش می‌شد به اوایل نوشته برگردیم تا به جای «خرس» معصومی از «خرس» ژان ژاک آتو برای تان می‌نوشتیم که قصه مصائب و سرگردانی یک توله خرس گریزلی را به تماشایی‌ترین شکل ممکن روایت می‌کند. درست برعکس خرس سینمایی ما که در قصه و به دست خالقش آسیب دید و هم خارج از جهان داستان، زخمی، ناکارآمدی‌ها و ناهماهنگی‌ها و ناخوانم‌ردی‌ها شد.

